

تقریر درس خارج فقه هوش مصنوعی - جلسه هفتم

موضوع: هوش اشراق محور

استاد: آیه الله مفیدی (حفظه الله)

مقدمات بحث

تقسیم هوش به پایه محور و اشراق محور

هوش را به گونه ای تقسیم کردیم که آثار فقهی داشته باشد؛ هوش پایه محور و هوش اشراق محور. در هوش اشراق محور چیزی از بیرون مزاج و ماده جسم بر او وارد می شود و بنابراین نیاز به روح دارد. آیات و روایات بسیار زیادی در قرآن داریم که حاکی از هوش اشراق محور در انسان است. به برخی از آن ها در جلسات قبل اشاره کردیم.

اشاره کردیم که نهایت فیزیکالیسم در مراحل چهارم و پنجم به همین هوش اشراق محور منتهی می شود و این مبنای علمی در نهایت اذعان خواهد کرد چیزی ورای جسم مادی انسان وجود دارد که رفتارهای هوشمندانه او را تفسیر می کند.

روایت کمیل

دو حدیث با عنوان «حدیث نفس» معروف و مشهور است. یکی حدیث نفس اعرابی و دیگری حدیث نفس کمیل. از کمیل بن زیاد نقل شده است: «سألت مولانا أمير المؤمنين عليا (ع) فقلت: يا أمير المؤمنين أريد أن تعرفني نفسي. قال: يا كميل! وأی الأنفس تريد أن أعرفك؟» پرسید: نفس مرا به من معرفی کن. حضرت پرسید: کدام نفس را می خواهی به تو معرفی کنم؟ «قلت: يا مولای هل هی إلا نفس واحدة؟» (بحار الأنوار: ۸۴/۶۱) تلقی ما این است که نفس یکی است دیگر، پس می پرسد: مگر چند تا نفس داریم؟ حضرت چهار نفس را معرفی کرده اند، با چه بیانات مهمی. خودتان مراجعه بفرمایید.

جایگاه عقل در نفس انسان

در این حدیث کمیل یک عبارت که بسیار به بحث های ما مرتبط است دیده می شود. خصوصاً با توضیحی که در مجمع البحرین مطرح شده است. عبارت این است: «والعقل فی وسط الكل» عقل بشر در وسط هر چهار نفس است. آنچه در مجمع البحرین ذیل این عبارت آمده این است: «لكيلا يقول احدكم شيئاً من الخير والشر الا لقياس معقول». عقل وسط همه آنهاست تا هیچکدام از شما بدون قیاس و استدلال هیچ خیر و شری را نگویند و بدون دلیل گام برندارند.

«قیاس معقول» یعنی نظامی منطقی در عالم پابرجاست که شما بر اساس آن می توانید با عقلی که در وسط همه نفوس انسان قرار دارد استدلال قابل تبیین ارائه کنید.

ارتباط نفس با مزاج

روایات بسیاری وجود دارد که بر ضرورت اعتدال مزاج تأکید دارد، تا نفس بتواند به درستی عمل کند. مانند: «سئل عليه السلام عن العالم العلوی فقال: صور عاریة من المواد، عالية عن القوة والاستعداد، تجلي لها فأشرق، وطالعها فتلاأت، والقي فی هويتها مثاله فأظهر عنها أفعاله، وخلق الانسان ذا نفس ناطقة. إن زكاه بالعلم فقد شابهت جواهر أوائل عللها، وإذا اعتدل مزاجها وفارقت الأضداد فقد شارك بها السبع الشداد». (بحار: ۱۶۵/۴۰) اشاره دارد بر رابطه غامض روح و بدن.

این روایات به دسته‌های بسیاری تقسیم می‌شوند که هر دسته به نحوی غیرمادی بودن روح انسان را تصریح می‌کنند. برخی بین حالات روحی و حدّ ذهنی با غذایی که خورده می‌شود رابطه برقرار می‌کنند. برخی دیگر تأکید دارند که انسان «اینجایی» و این دنیایی نیست، بلکه متعلق به عالم دیگر است. مطابق فرمایش امیرالمؤمنین (ع): «منها قدمتم و الیها تصیرون».

صوری‌سازی بحث

در آزمون اتاق چینی آنچه مهم است این که یک زبان صوری محض محض که هیچ معنایی در آن دخالت نداشته باشد ایجاد شده است. چیزی که حتی یک کودک درس‌نخوانده هم می‌تواند با آن کار کند. این خیلی مهم است. متأسفانه می‌بینیم که منطق از صوری‌سازی محض آغاز نشده و به همین جهت منشأ اختلاف می‌شود. اما آزمون اتاق چینی این اختلافات را کنار می‌زند، به دلیل این که توانسته فارغ از معنا شود. در ماشین تورینگ هم با صوری‌ساز محض مواجه هستیم.

مفهوم نسبت و تطوّر آن

بعضی امور عقلی هستند که تمام ابناء بشر در آن شریکند و هیچ اختلافی در آن ندارند. هیچ انسانی را نمی‌توان یافت که آن‌ها را قبول نداشته باشد. یکی از این‌ها «نسبت» است. مثلاً می‌گوییم خط دو سانتی دو برابر خط یک سانتی است. هیچ فیلسوفی هم نمی‌تواند منکر این نسبت شود.

ابتدا تصوّر بشر این بوده که تمامی اندازه‌ها با هم متشارک هستند. اگر دو خط نابرابر داشته باشیم، می‌توانیم یک خط کوچک‌تر تصوّر کنیم که هر دوی آن‌ها را «عاد» کند و بشمارد. مثلاً یکی را ده بار و دیگری را پانزده بار. پس یکی از آن‌ها می‌شود ۱۰ سانتی و دیگری ۱۵ سانتی‌متری.

وقتی انسان با مربع برخورد کرد، خواست نسبت قطر با ضلع را حساب کند. وقتی نتوانست، مجبور شد بپذیرد که هیچ عاد مشترکی بین قطر و ضلع مربع وجود ندارد و هر چه تقسیم کنیم تا بی‌نهایت هم به پاسخ نمی‌رسیم. یعنی رادیکال ۲. مقدار متباین و غیرمتشارک در این مرحله کشف شد.

این که جذر دو یا عدد پی تا بی‌نهایت به پاسخ نمی‌رسد معنایش این است که «موطن» و جایگاه حقیقی این رقم در عالم ماده نیست. این دسته از ارقام موطن دیگری دارند. ماده هرگز نمی‌تواند موطن بی‌نهایت‌ها باشد.

پایان بحث

۱. مقدمات بحث

۱/۱. تقسیم هوش به پایه‌محور و اشراق‌محور

۱/۲. روایت کمیل

۱/۳. جایگاه عقل در نفس انسان

۱/۴. ارتباط نفس با مزاج

۱/۵. صوری‌سازی بحث

۱/۶. مفهوم نسبت و تطوّر آن

